

ORIGINAL ARTICLE

Comparative Evaluation of the Factors Affecting the Incidence of Crime in Prosperous and Non-prosperous Urban Areas Case Study: Ardabil City

Mahdi Mohammadi Sarin Dizaj¹, Roya Moghabeli², Leyla Mohajeri Naemi³

1. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Ph.D Student, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

3. Ph.D Student, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

*Correspondence

Mahdi Mohammadi Sarin Dizaj
Email: m_mohammadi@pnu.ac.ir

Receive Date: 10/Feb/2024

Revise Date: 06/Dec/2024

Accept Date: 25/Dec/2024

How to cite

Mohammadi Sarin Dizaj, Moghabeli, R., & Mohajeri Naemi, L. (2026). Comparative Evaluation of the Factors Affecting the Incidence of Crime in Prosperous and Non-prosperous Urban Areas Case Study: Ardabil City. *Urban Ecological Research*, 16(4), 131-148.

ABSTRACT

It is necessary to have a dynamic city with stable dimensions, to provide security and reduce the occurrence of crimes in this settlement. Therefore, it is necessary to identify and investigate the factors affecting the occurrence of crime in order to take preventive measures and reduce the scope of crime. The purpose of this research is to compare the factors affecting the incidence of crime in prosperous and non-prosperous neighborhoods of Ardabil urban settlements. The current study is applied and quantitative-survey method based on structural approach. The statistical population of this research consists of the residents of the neighborhoods (Azadi and Rezvan towns) as prosperous and well-off and (Araz Ali and Iranabad) as non-well-off and less well-off residents of Ardabil city. According to the statistical population of 31605 people, the statistical sample size was 380 using Cochran's formula. To analyze the research data, statistical tests T-test, single-sample T and Pearson's correlation test were used in SPSS software. The results of the research showed that in affluent areas, all factors affecting the incidence of crime are evaluated above average (average 3) and in a better condition, but in non-affluent areas, all components are evaluated below average (average 3) and in an unfavorable condition. Also, there is a significant and direct relationship between the three components of the research (quality of residence, quality of landscape and social security) and the formation of crime in both types of neighborhoods. So that by upgrading each of the components, the occurrence of crime will decrease significantly.

KEYWORDS

Crime, Urban Space, Prosperous and Non-Prosperous Neighborhoods, Ardabil City.



ارزیابی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم در محله‌های شهری مطالعه موردی: شهر اردبیل

مهدی محمدی سرین دیزج^{۱*}، رؤیا مقابلی^۲، لیلا مهاجری نعیمی^۳

چکیده

لازمه داشتن شهری پویا با ابعاد پایدار، تأمین امنیت و کاهش وقوع جرائم در این سکونتگاه می‌باشد. از این‌رو شناسایی و بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم برای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و کاهش زمینه وقوع جرم ضروری است. هدف از انجام این پژوهش سنجش تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم در محله‌های مرفه و غیرمرفه سکونتگاه‌های شهری اردبیل می‌باشد. مطالعه حاضر از نوع کاربردی و به روش کمی - پیمایشی با لحاظ رویکرد ساختاری به انجام رسیده است. جامعه آماری این تحقیق را ساکنان محله‌های (شهرک آزادی و رضوان) به‌عنوان مرفه و برخوردار و (آراز علی و ایران آباد) به‌عنوان غیرمرفه و کم برخوردار شهر اردبیل تشکیل می‌دهند. با توجه به جامعه آماری ۳۱۶۰۵ نفری، حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ به دست آمد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون‌های آماری T-test، T تک‌نمونه‌ای و آزمون همبستگی پیرسون در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد که در محله‌های مرفه همه مؤلفه‌های مؤثر در بروز جرم بالاتر از حد متوسط (میانگین ۳) و در وضعیت بهتری ارزیابی می‌شود ولی در محله‌های غیرمرفه همه مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط (میانگین ۳) و در وضعیت نامناسبی ارزیابی می‌گردد. همچنین مؤلفه‌های سه‌گانه پژوهش (کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی) و شکل‌گیری جرم در هر دو نوع محله رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به‌طوری‌که با ارتقاء هرکدام از مؤلفه‌ها، وقوع جرم به شکل چشمگیری کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

جرم، فضای شهری، محله‌های مرفه و غیرمرفه، شهر اردبیل.

۱. استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۳. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، اردبیل، ایران.

*نویسنده مسئول: مهدی محمدی سرین دیزج
رایانامه: m_mohammadi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

استناد به این مقاله:

محمدی سرین دیزج، مهدی؛ مقابلی، رؤیا و مهاجری نعیمی، لیلا (۱۴۰۴). ارزیابی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم در محله‌های شهری، مطالعه موردی: شهر اردبیل. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۳۱-۱۴۸، (۴)۱۶.



مقدمه

مبحث جرم‌خیزی بایستی عوامل مؤثر بر ایجاد ناامنی و جرم‌خیزی در فضاهای شهری را جستجو و مورد شناسایی قرارداد (آراسته و همکاران، ۱۳۹۹).

در این میان، شهر اردبیل طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه از سال ۱۳۷۲ که به‌عنوان استانی تازه تأسیس معرفی شد، مرکز توجه و تمرکز مهاجرت‌های روستا - شهری قرار گرفت. در این فرایند همه‌ساله به جمعیت و مساحت فیزیکی این شهر افزوده شده است و در حال حاضر جمعیتی بالغ بر ۵۲۹,۰۰۰ نفر و مساحتی برابر ۶۲۰۰ هکتار دارد (مهندسی مشاور عرصه، ۱۳۹۴). اگر این جمعیت و میزان مساحت، با جمعیت ۶۵ هزار نفر و مساحت ۸۳۹ هکتار، سال ۱۳۶۵ این شهر مقایسه شود، مشخص می‌شود که شهر اردبیل طی سال‌های اخیر از نظر جمعیتی رشد ۸ برابری و از نظر مساحت، رشد فیزیکی ۷/۳۹ برابری داشته است (فیروزی مجنده، ۱۳۹۵). این حجم از افزایش جمعیت و رشد فیزیکی سبب ورود خیل عظیمی از تازه‌واردان متعلق به خرده‌فرهنگ‌های متفاوت به شهر اردبیل شده و به شکل‌گیری محله‌های نابسامان در نواحی حاشیه‌ای شهر منجر شده است. مجموعه این مسائل و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی مهاجران (که اغلب اقشار ضعیف جامعه را شامل می‌باشد) به شکل‌گیری محله‌هایی منجر شده است که در فرایند ساخت‌وساز آن‌ها کم‌تر توجهی به ضوابط و اصول مرتبط با امنیت و بروز جرائم در محله‌ها و بافت‌های شهری شده است؛ به همین دلیل همه‌ساله گزارش‌های فراوانی از ارتکاب به جرائم در سطح شهر اردبیل به مراجع مربوطه ارسال می‌شود و بر طبق آمار در نیمه اول سال ۱۳۹۶ حدود ۱۲۰۰ نفر بابت جرائم انجام داده در زندان اردبیل به سر می‌بردند که جرائم مربوط به مواد مخدر (۴۰/۶ درصد) و سرقت (۲۵/۲ درصد) بیش‌ترین موارد را به خود اختصاص داده‌اند (پاشازاده و همکاران، ۱۳۹۸). از این‌رو پژوهش حاضر، باهدف بررسی و مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم، در دو تیپ متفاوت از محله‌های مسکونی شهر اردبیل می‌پردازد که در قالب محله‌های مرفه (شهرک آزادی و رضوان) و غیرمرفه (آراز علی و ایران آباد) این شهر شناخته شده هستند از سوی دیگر در تلاش برای پاسخ به این سؤال هست که مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم کدامند و در محله‌های شهر اردبیل چه وضعیتی را نشان می‌دهند؟

مبانی نظری**چارچوب نظری**

امنیت از نیازهای اولیه انسان است که نحوه پاسخگویی به آن تأثیر مستقیم بر نحوه توسعه و پیشرفت فردی و اجتماعی دارد.

توسعه سریع و نامتوازن شهری یکی از مهم‌ترین مشکلات و عوارض اجتماعی کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم بوده است که یکی از عواقب اقتصادی و فیزیکی آن، گسترش محله‌های مسکونی غیرمجاز شهری و نتایج اجتماعی حاصل از آن است (Sohn, 2016). این مسئله که در تمامی سطوح و زوایای فردی، اجتماعی و کالبدی تأثیر گذاشته، در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر احساس می‌شود و باعث ایجاد محله‌های متفاوت با سطوح نابرابر اقتصادی - اجتماعی و مشکلات فراوان در شهرها می‌شود (National Crime Prevention Council, 2020). چنین شرایطی زمینه‌ساز ظهور سریع جرائم شهری به‌عنوان آفت جوامع انسانی را فراهم می‌کند (متقی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین تجربه جهانی نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه به سمت فضاسازی بهتر پیش نمی‌رویم، مکان‌های ساخته شده را نیز از بین برده‌ایم؛ زیرا فضاهای شهری بی‌هویت و ناآشنای زیادی به وجود آمده است که تبعات منفی بسیاری را در پی دارد و از یک‌سو، خشونت و ترس را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، موجب حس خطرپذیری و به دنبال آن، موجب واکنش‌های روان‌شناختی و رفتاری شهروندان می‌شود (یوسفی و جوهر، ۱۳۹۴).

امروزه با توجه به روند رو به رشد شهرنشینی و رشد تصاعدی ریسک‌پذیری شهر و شهروندان در ارتباط با سوانح و مخاطرات، ضرورت اهتمام به مسئله امنیت و جلوگیری از جرم‌خیزی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تعیین‌کننده یک شهر خوب بیش از پیش احساس می‌شود و این چالش نظریه‌پردازان را به‌سوی یافتن تعریفی از شهر سالم، امن و پایدار سوق داده است (عامری، ۱۴۰۰). همچنین فضاهای جرم‌خیز عامل مهمی در پایین آوردن کیفیت زندگی به شمار می‌روند. از سوی دیگر، باید این مسئله را مدنظر داشت که امنیت و آسودگی دو عامل اساسی حیات بشری هستند. در همین راستا لیتون در مدل خود که برای درک محیط ساخته شده نیازهای اساسی انسان را شرح می‌دهد و امنیت را نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸). با این وجود تلاش‌های صورت گرفته در راستای برقراری امنیت شهری در مقیاس جهانی عموماً به‌جای تمرکز بر جرم و علل به خطر افتادن امنیت در فضاهای شهری با مجرم مقابله نموده‌اند (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). به جرأت می‌توان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت و جرم وجود دارد، اما جرائم و خشونت‌ها در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند. از این‌رو برای داشتن نگرش بهتر به

شامل داوری در خصوص امنیت منطقه و فضا است. محیط کالبدی شهر و محله به‌عنوان زمینه اصلی وقوع جرائم می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرائم داشته باشند. به‌طوری‌که برخی مکان‌ها، به دلیل ویژگی کالبدی و محیط زیستی، نوع فعالیت‌های رایج در آن و یا عوامل اجتماعی و ویژگی‌های اقتصادی ساکنان آن، فرصت‌های بیش‌تر برای ارتقای جرم و جذب مجرمان فعال و بانگیزه فراهم می‌کند که بر اساس دیدگاه انتخاب عقلانی، امن‌ترین و مناسب‌ترین مکان‌ها و شرایط را برای ارتکاب عمل مجرمانه در خود دارد (سالاری پور و همکاران، ۱۳۹۶). مطالعات نشان داده اند که می‌توان با اصلاح ساختار محیطی و شرایط اماکن از ارتکاب جرائم خشونت‌بار جلوگیری کرد (تئاگر دربان و همکاران، ۱۳۹۸).

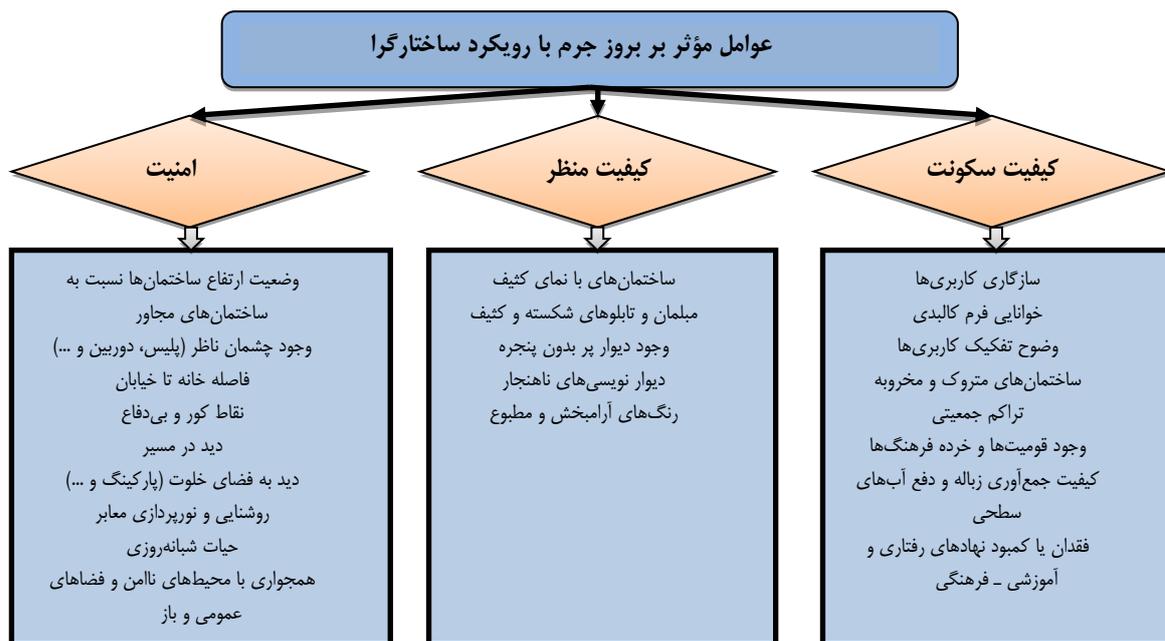
از مهم‌ترین نگرش‌های جدید می‌توان به دیدگاه مکان‌های جرم‌خیز اشاره کرد. این دیدگاه نخست به‌وسیله شرم، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ مطرح شد و بر پایه نوعی علت‌شناسی مکانی جرم استوار است (Bjerk, 2010). از آنجا که یک ارتباط دوسویه بین محیط و رفتارهای انسانی وجود دارد، محیط کالبدی می‌تواند هم نقش معلول و هم نقش علت را بازی نماید؛ به این معنا که می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم، قوانین مسلط خود را بر ساکنین خویش تحمیل نماید و رفتارهای انسانی را تحت تأثیر خود قرار دهد (متقی و همکاران، ۱۳۹۸). در بین رهیافت‌های ارائه شده برای امنیت یکی از کاربردی‌ترین رهیافت‌ها، رویکرد ساختارگرا می‌باشد. داشتن رویکرد ساختارگرا بر مقوله امنیت، از جمله فعال‌ترین فلسفه‌های مکانی - فضایی در تحلیل مفاهیم انسانی در راستای موضوع ایمنی و امنیت در چند دهه اخیر محسوب می‌شود. مکتب فکری حاضر که از طریق رابطه بین سوانح، سطح توسعه و وابستگی اقتصادی جهان درحال توسعه نشأت می‌گیرد بر این اصل استوار است که افزایش گرفتاری‌های کشورهای جنوب بیش‌تر به سبب توجه افراد به امور اقتصاد جهانی، گسترش سرمایه‌داری و در حاشیه قرار گرفتن مردم فقیر است تا اثر حوادث ژئوفیزیکی. در ادامه شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش و عوامل مؤثر و مورد بررسی در بروز جرم را نشان می‌دهد.

امنیت در نواحی و محله‌های مسکونی به افزایش سطح کمی و کیفی رفاه در آن‌ها منجر شده و زمینه را برای شکل‌گیری تعامل ساکنان در محیط شهری فراهم می‌کند (Md Sakip and Abdullah, 2018).

تعامل و حضور ساکنان در عرصه‌های عمومی در محله تحت سکونت خود به شکل‌گیری رابطه‌های مثبت میان فرد و محله منجر می‌گردد که نتایج آن عبارتند از: افزایش سطح دلبستگی به محله، افزایش تمایل به مشارکت در امور محله و شهر و کنش و واکنش مثبت در محیط کالبدی و اجتماعی محله (مؤمنی و ایران خواه، ۱۳۹۸). در مقابل، محله‌های نامن بستر وقوع ناهنجاری‌های بزرگ اجتماعی است که علاوه بر وارد نمودن خسارت‌های مالی و جانی به ساکنان منجر به صدمه‌های روحی و روانی جبران‌ناپذیری به خانواده‌ها شده و تربیت نسل‌های آتی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند (Taeoon et al, 2015).

وقوع جرم از مهم‌ترین مشکلات در برخی از شهرها است که به‌عنوان یک مشکل پلیس را به چالش کشیده و تهدیدی برای زندگی امن شهروندان است، در نظر گرفته می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). جیکوبز^۱ در کتاب مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا، به مسئله امنیت و عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی شهرها و محله‌ها اشاره می‌نماید. وی بیان می‌کند که آرامش فضای شهری از ابتدا به‌وسیله پلیس تأمین نمی‌شود؛ ولی با حضور پلیس تضمین می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به‌وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خودانتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: می‌باید چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم‌های کسانی که ما همواره آنان را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم. پیاده‌روهای خیابان می‌باید به‌صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر چشم‌های ناظر بر خیابان افزوده شود و به ساکنین خیابان شیوه نظارت به خیابان آموزش داده شود (علیزاده و عنبری، ۱۳۹۶).

مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. پدیده ناامنی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است و کلیه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. مقوله ناامنی از جنبه عینی، تمام مظاهر ناامنی از جمله: سرقت، قتل، خشونت و ... را شامل می‌شود. مقوله ناامنی از جنبه ذهنی،



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

نتیجه رسیدند که رویکرد CPTED محدوده مورد مطالعه اگر چه کم‌تر از اصول CPTED استفاده شده است؛ اما امنیت شخصی در سطح بالایی است. همچنین اگر چه مؤلفه‌های CPTED در هر دو جامعه (غربی و جهان سومی) یکی بود، لکن احساس امنیت شخصی با توجه به اصول CPTED در جامعه بوتسوانا با جامعه غربی تفاوت داشت.

متیو کوئیک^۷ و همکاران (۲۰۱۸)، مطالعه‌ای را با عنوان «طراحی مکان‌های ایمن و پیشگیری از وقوع جرم با استفاده از رویکرد طراحی محیطی به روش میدانی و رویکرد CPTED» انجام داده و به این نتیجه دست یافتند که میان سرقت بانگ و جرائم خشونت‌آمیز با محرومیت، بی‌ثباتی مسکونی و ناهمگونی نژادی همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش بیانگر اهمیت الگوهای عمومی جرائم در شناخت الگوی فضایی انواع جرائم (تک‌تک جرائم موردی، مانند جرائم مربوط به سرقت منازل مسکونی) در مقیاس کوچک است. از این رهگذر می‌توان با داشتن الگوی فضایی کلی جرائم به شناسایی الگوی فضایی جرائم خرد اقدام کرد.

ایتکوویچ^۸ و فاکتور^۹ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای که با عنوان «نابرابری اقتصادی و جنایت: نقش مقاومت اجتماعی به روش فراتحلیلی» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که نابرابری اقتصادی با مقاومت اجتماعی مرتبط است که به‌نوبه خود با جرم در ارتباط می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در ۱۰۰ سال اخیر تحلیل ساده‌ی محدوده‌های جرم‌خیز شهری را پژوهشگران جرائم شهری یا افسران پلیس انجام داده‌اند و در ۳۰ سال گذشته، افرادی همچون براتینگام^۱ (۱۹۷۵ و ۱۹۸۷)، کرو^۲ (۱۹۷۵)، ابی و هریس^۳ (۱۹۸۰) و پریش^۴ (۱۹۸۶) در آثار خود با مطرح کردن بحث تراکم بزهکاری در محدوده‌های خاص شهری، این محدوده‌ها را تحلیل نموده‌اند (Sherman and Weisburd, 2006).

بیجرک^۵ (۲۰۱۰)، در پژوهشی که با عنوان دزدها، مجرمین و فقر محله به روش جامعه‌شناختی انجام داده است، به این نتیجه رسیده است که تحت شرایط محرومیت، بین فقر افراد و جرائم خشونت‌آمیز رابطه وجود دارد. افزون بر این، متناسب با آمارهای موجود در این زمینه، حاشیه‌نشینی و جدایی اقتصادی از محیط‌های شهری نقش چندانی بر جرائم مالی نداشته است. اما در مقابل تأثیر مشهودی بر کاهش سلامت روانی و اجتماعی داشته است.

کوزن و ملن هورست^۶ (۲۰۱۴)، تحقیقی را با عنوان بررسی ادراکات جامعه در زمینه پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی محیطی (CPTED) در بوتسوانا به روش میدانی کار کرده و به این

1. Brantingham
2. Crow
3. Abeyie & Harries
4. Parish
5. Bjerck
6. Cozens & Melenhorst

7. Matthew Quick

8. Itskovich

9. Factor

کاربری زمین، گسست یا نبود نظارت اجتماعی، کیفیت اندک بناها و ساختار خیابان‌ها در شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع در محیط‌های شهری، نقش دارند.

عامری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر پیشگیری از جرائم و تأمین امنیت شهری در منطقه ۱۵ شهر تهران» با روش کمی-پیمایشی رویکرد ساختارگرا به این نتیجه رسیدند که شاخص‌هایی چون تأثیر نوع طراحی محیطی، میزان کیفیت زندگی افراد، فقدان یا فرسودگی زیرساخت‌های شهری و هم‌جواری محیط‌های مسکونی با محیط‌های ناامن دارای اهمیت بیش‌تری به‌منظور برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط آن‌ها جهت بسترسازی مقوله امنیت در فضاهای شهری منطقه ۱۵ شهر تهران می‌باشد.

زارنجی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مقایسه تطبیقی محله‌های غیررسمی شهر اردبیل بر اساس آسیب‌های اجتماعی در دوران پاندمی کووید ۱۹ با تأکید بر امنیت اجتماعی» بر اساس مشاهدات میدانی و مراجعه به طرح‌های انجام شده به این نتیجه دست یافتند که به دنبال فشار روحی و روانی ناشی از مشکلات اقتصادی و بیکاری و همچنین پایین آمدن انگیزه تحصیل در دوران پاندمی کووید ۱۹ برخی از آسیب‌های اجتماعی از قبیل میزان شرارت در سطح محله‌ها، اختلافات و خشونت خانوادگی، خریدوفروش انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی بیش از پیش احساس می‌شود.

رحمتی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر بروز جرم درگیری در شهر اردبیل» به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تعلق به جامعه تعصبی-قومیتی، آنومی اجتماعی و ویژگی ژنتیکی، تعاملات منفی، خاستگاه مکانی خانوادگی، کنترل اجتماعی، مسائل اجتماعی، خانواده، برچسب‌زنی، محرومیت نسبی و هوش فرهنگی به ترتیب درجه اهمیت در بروز درگیری در محله‌ها شهر اردبیل نقش دارند.

چنان‌که در مطالعات بررسی شده ملاحظه می‌شود، کم‌تر پژوهشی به بررسی جامع و رویکردی ساختارگرا به مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم و تأمین امنیت شهری پرداخته شده و بیش‌تر پژوهش‌های قبلی به دنبال بررسی فضای جغرافیایی و تحلیل جرائم بوده‌اند؛ اما در این پژوهش ضمن بررسی موضوع در سطح محله‌ای و مقایسه تطبیقی در محله‌های مرفه و غیرمرفه با رویکردی متفاوت، نسبت به ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های سه‌گانه موضوع (کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی) اقدام گردیده است که گویای نوآوری در انجام این پژوهش می‌باشد.

نابرابری اقتصادی زمینه مناسبی را برای جرم ایجاد می‌کند؛ زیرا افراد را تشویق می‌کند تا در برابر ارزش‌های اصلی و نهادهای مرکزی جامعه مقاومت کنند.

پورموسوی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران» با استفاده از روش همبستگی میان متغیرها، دو دسته شاخص جرائم شهری و عمودی سازی را بکار گرفتند که در نهایت نتایج نشان داد که رابطه کاملاً معناداری بین شاخص‌ها وجود دارد. چنانچه مناطق جرم‌خیز تهران منطبق بر مناطق عمودی‌سازی شده می‌باشند. لحمیان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای که با عنوان «تأثیر شاخص‌های فضایی بر فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر» که به روش میدانی (مصاحبه، فیش‌برداری، پرسشنامه) انجام داده است، به این نتیجه دست یافت که در محله‌های مرفه، همه مؤلفه‌های افتراقات فضایی، بالاتر از حد متوسط (میانگین ۳) ولی در محله‌های غیرمرفه همه مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند. همچنین بین مؤلفه‌های معیار افتراقات فضایی و شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا (به‌جز مؤلفه میزان تشخیص) در دو نوع محله رابطه معناداری وجود دارد.

سالاری‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان ارزیابی تأثیر معیارهای محیطی بر امنیت محله زرجوب شهر رشت با استفاده از ArcGIS و تکنیک AHP به این نتیجه رسیدند که محله زرجوب از لحاظ معیارهای محیطی تأثیرگذار بر امنیت دارای بدترین شرایط است. معیارهای محیطی (CPTED) نقش مؤثری در وقوع جرم در فضاهای شهری ایفاء می‌کنند.

متقی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل مکانی - فضایی جرم‌خیزی در عرصه‌های پیراشهری اسلامشهر با روش میدانی و رویکرد CPTED» به این نتیجه رسیدند که محله‌های شمالی که خاستگاه و شکل‌دهنده اولیه شهر بوده، به مرور زمان دچار فرسودگی شده و کانون شکل‌گیری جرائم متعددی نظیر سرقت اتومبیل، سرقت لوازم خانه و فروش مواد مخدر شده است و این باعث رعب و ترس میان شهروندان این محدوده به‌خصوص محله‌ها ۱، ۲، ۳ و ۴ گردیده است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای که با عنوان «سنجش میزان خطرپذیری محله‌های شهری از نظر وجود فضاهای بی‌دفاع (مستعد بروز جرم) در منطقه ۳ شهر اردبیل با استفاده از تحلیل فضایی GIS» به این نتیجه رسیدند که شدت تراکم فضاهای بی‌دفاع در برخی محله‌ها (محله ۳، ۴، ۶ و ۹) بیش‌تر از سایر محله‌ها است. همچنین ۴۵/۳۵ درصد محله‌ها با خطرپذیری زیاد و خیلی زیاد و ۳۶/۳۷ درصد با خطرپذیری کم و خیلی کم مواجه است. نوع

روش انجام پژوهش

مطالعه حاضر از نوع کاربردی و به روش کمی - پیمایشی در راستای بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر بروز جرم در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل با لحاظ رویکرد ساختاری به انجام رسیده است. برای جمع‌آوری بخش توصیفی پژوهش از مطالعات و اسناد کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع پژوهش و برای بخش تحلیلی پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و به شیوه پرسشنامه‌ای در سه بعد

کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی به تحلیل جرم در محله‌ها شهر اردبیل پرداخته شد که لزوماً در راستای پاسخ به سؤال پژوهش می‌باشد (جدول ۲). برای تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون‌های آماری T-test برای ارزیابی وضعیت و میزان اولویت مؤلفه‌ها، آزمون T تک‌نمونه‌ای برای مؤلفه مؤثر بر بروز جرم و آزمون همبستگی پیرسون برای ارزیابی ارتباط درونی مؤلفه‌ها و بروز جرم در محله‌ها شهر اردبیل در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده گردیده است.

جدول ۲. ابعاد و گویه‌های مؤثر بر بروز جرم

مؤلفه	گویه	محققان تأییدکننده
کیفیت سکونت	سازگاری کاربری‌ها	Bjerk(2010) محمدی و همکاران (۱۳۹۸) متقی و همکاران (۱۳۹۸) لحمیان (۱۳۹۵) عامری (۱۴۰۰)
	خوانایی فرم کالبدی	
	وضوح تفکیک کاربری‌ها	
	ساختمان‌های متروک و مخروبه	
	تراکم جمعیتی	
	وجود قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها	
کیفیت منظر	کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آب‌های سطحی	Sohn(2016) محمدی و همکاران (۱۳۹۸) محمدی و همکاران (۱۳۹۹) لحمیان (۱۳۹۵) ثناگر دربانی و همکاران (۱۳۹۸)
	فقدان یا کمبود نهادهای رفتاری و آموزشی - فرهنگی	
	ساختمان‌های با نمای کثیف	
	مبلمان و تابلوهای شکسته و کثیف	
	وجود دیوار پر بلون پنجره	
	دیوارنویسی‌های ناهنجار	
امنیت اجتماعی	رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع	Bjerk(2010) Sohn(2016) وروایی و پرنداخ (۱۳۹۵) مؤمنی و ایران‌خواه (۱۳۹۸) لحمیان (۱۳۹۵) عامری (۱۴۰۰)
	وضعیت ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به ساختمان‌های مجاور	
	وجود چشمان ناظر (پلیس، دوربین مداربسته و ...)	
	فاصله خانه تا خیابان	
	نقاط کور و فضای بی‌دفاع	
	دید در مسیر	
	دید به فضای خلوت (پارکینگ و ...)	عامری (۱۴۰۰)
	روشنایی و نورپردازی معابر	
	حیات شبانه‌روزی	
	هم‌جواری با محیط‌های ناامن و فضاهای عمومی و باز	

محله‌های ایران‌آباد (با میانگین ۳/۱۱) و آراز علی (میانگین ۲/۹۵) به‌عنوان نماینده محله‌های غیرمرفه شهر اردبیل انتخاب گردیدند. جامعه آماری این تحقیق را ۳۱۶۰۵ نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ به دست آمد و طبق اطلاعات جدول ۳، نسبت به درصد جمعیت محله‌ها و به روش تصادفی ساده در بین جامعه آماری پرسشنامه پخش گردید (جدول ۳).

جامعه آماری این تحقیق شامل دو گونه از محله‌ها شهر اردبیل است که ساکنان محله‌های مرفه (شهرک آزادی و رضوان) و غیرمرفه (آراز علی و ایران‌آباد) را تشکیل می‌دهند. جهت تعیین محله‌های مرفه و غیرمرفه، ۲۰ پرسشنامه بین کارشناسان شهرداری، شهرداری و فرمانداری پخش گردید و برحسب میانگین (۱ تا ۵)، شهرک رضوان (میانگین ۳/۵۱) و شهرک آزادی (میانگین ۳/۲۱) به‌عنوان نماینده محله‌های مرفه شهر و

جدول ۳. تعداد پرسشنامه در سطح محله‌ها

نوع محله	محله‌های منتخب	جمعیت	تعداد پرسشنامه
مرفه	شهرک رضوان	۴۸۷۲	۵۹
	شهرک آزادی	۶۸۷۱	۸۳
غیرمرفه	محله آراز علی	۱۶۹۶۸	۲۰۳
	محله ایران‌آباد	۲۸۹۴	۳۵
جمع		۳۱۶۰۵	۳۸۰

نیز آزمون ضریب آلفای کرونباخ بکار برده شد که نتیجه به شرح زیر حاکی از تأیید کلی پایایی پرسشنامه با ضریب $0/81$ بود (جدول ۴).

برای تعیین روایی پرسشنامه از سنجه KMO در قالب آزمون تحلیل عاملی استفاده شد که روایی آن به مقدار $0/78$ و در سطح مناسب و مطلوبی ارزیابی گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه

جدول ۴. ضریب پایایی پرسشنامه

مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ
کیفیت سکونت	$0/84$
کیفیت منظر	$0/81$
امنیت اجتماعی	$0/78$
کل	$0/81$

کوچکی (با جمعیت 16968 نفری) در حاشیه شهر انجامیده است؛ اما این شهر به فضای شهری دست‌وپا شکسته امروزی هم چندان شباهت ندارد. این منطقه شبیه لایه‌ای خمیر است که بر روی شیرینی کشیده شده و شهر را متورم کرده است. لایه‌ای که برعکس، جرم‌خیز، تلخ و تیره‌تر از مدرنیسم شهرهای امروزی است. یک محقق که نسبتاً در سطح طبقه متوسط قرار دارد و خود را بخشی از فقر جامعه می‌داند، می‌تواند با رفتن به این منطقه سطح طبقاتی خود را احساس کند و از مزایای زندگی نسبتاً آرام خود باخبر شود. به‌خصوص وقتی از آمار جرم‌خیز بودن و دار و دسته‌های جوانانی که به‌ظاهر در شهر وجود ندارند، در این منطقه باخبر شود.

شهرک آزادی: این شهرک به‌عنوان یکی از شهرک‌های قدیمی، متمول و مرفه‌نشین اردبیل دارای جمعیت 6871 نفری می‌باشد. جایگزینی آپارتمان‌ها به‌جای خانه‌های ویلایی طی سال‌های اخیر نارضایتی برخی از ساکنان قدیمی این شهرک را در برداشته و ترافیک ناشی از تردد شهروندانی که خیابان آزادی این شهرک را به‌عنوان محلی برای دور زدن (ترافیک کمربندی) انتخاب می‌کنند، در کنار نبود نظارت پلیس، از مهم‌ترین مسائل و مشکلات آن می‌باشد.

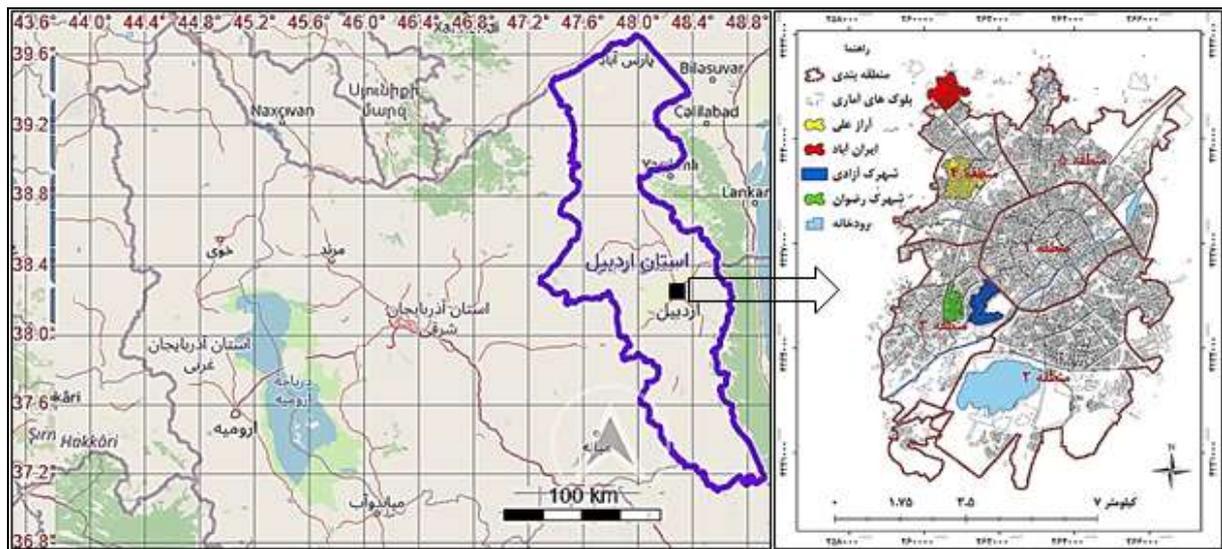
شهرک رضوان: این شهرک در محدوده جنوب غربی شهر اردبیل واقع شده و جزء یکی از محله‌های مرفه‌نشین می‌باشد. این شهرک با تراکم متوسط حدود 4872 نفر را در خود جای داده است و به دلیل توزیع متوازن جمعیت در سطح شهرک، همگنی ساختمان‌های بلند و ویلایی و برخورداری از امکانات و مبلمان شهری مناسب این شهرک را به یکی از محله‌های با آسایش و امنیت بالا تبدیل کرده است. در شکل ۲، موقعیت محله‌های مرفه و غیرمرفه انتخابی در نقشه شهر اردبیل نمایش داده شده است.

محدوده مورد مطالعه

شهر اردبیل مرکز استان و شهرستان اردبیل در دشتی به همین نام واقع شده است که از نظر موقعیت مطلق در مختصات جغرافیایی 21 درجه و 20 دقیقه تا 21 درجه و 23 دقیقه طول شرقی و 91 درجه و 22 دقیقه تا 91 درجه و 23 دقیقه عرض شمالی استقرار یافته است. بر اساس مصوبات شورای شهر و شهرداری اردبیل (1396) و تأیید استانداری و وزارت کشور، این شهر به 5 منطقه شهرداری، 15 ناحیه شهری و 51 محله اصلی تقسیم شده است. شهر اردبیل در حال حاضر (سال 1402) در محدوده‌ای به مساحت بیش از 6200 هکتار گسترده شده و بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1395 مرکز آمار ایران، جمعیت آن بیش از $529,374$ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، 1395). در ادامه به توضیحی مختصر در مورد هر کدام از محله‌ها مورد مطالعه پرداخته می‌گردد.

ایران‌آباد: دارای بافت روستایی بوده و با ادغام در بافت شهری، تبدیل به یکی از محله‌های غیررسمی شهر اردبیل شده است. جمعیت این محله در سال 1397 نزدیک 4 هزار نفر و مساحت آن 61 هکتار بوده است که $0/7$ درصد از جمعیت شهر اردبیل را شامل شده است. نسبت جنسی این محله برابر $101/8$ است و 81 درصد جمعیت آن در سن فعالیت قرار دارند (10 سال و بیش‌تر). تراکم جمعیت آن $65/5$ نفر در هکتار، بعد خانوار $4/5$ نفر، 20 درصد مهاجر، 78 درصد باسواد، $4/2$ نفر بار تکفل و 84 درصد اشتغال (16 درصد بیکار) می‌باشد (یزدانی و همکاران، 1399). با توجه به اینکه محله یکی از محله‌های غیررسمی شهر بوده و درصد بیکاری و اشتغال در مشاغل کاذب در آن بیش‌تر است، یکی از محله‌ها جرم‌خیز شهر به‌حساب می‌آید.

آراز علی: آراز علی نام محله‌ای است در شمال و منطقه‌ای مشرف به شمال غربی شهر اردبیل است که مهاجرت‌ها در دهه اخیر در آن رو به ازدیاد گرفته تا جایی که به تولید شهر نسبتاً



شکل ۲. نقشه موقعیت استان و شهر اردبیل و محله‌ها مورد مطالعه

نوشتن و ۲۶/۵ درصد بی‌سواد بودند. همچنین ۱۱/۰۵ درصد این افراد زیر ۵ سال، ۲۲/۸۹ درصد ۵ تا ۱۰ سال، ۴۰ درصد ۱۰ تا ۲۰ سال و ۲۶/۰۵ درصد بیش‌تر ۲۰ سال در محل مورد بررسی سابقه سکونتی داشته که ۶۳/۴۲ درصد آنان مذکر و ۳۶/۵۸ درصد مؤنث، ۷۲/۱۱ درصد آنان متأهل و ۲۷/۸۹ درصد مجرد بودند. از نظر شغلی نیز ۱۶/۵۸ درصد پاسخگویان کارمند، ۳۳/۹۵ درصد کارگر، ۲۰/۷۹ درصد بازنشسته، ۱۶/۸۴ درصد آزاد و ۱۱/۸۴ درصد بیکار بودند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

مطابق اطلاعات جدول ۵، بررسی و تحلیل یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که ۱۵/۵۳ درصد جامعه آماری زیر ۳۰ سال، ۲۴/۷۴ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۱/۳۲ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲۰/۲۶ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۸/۱۶ درصد بالای ۶۰ سال سن داشته که در این بین ۷/۱۱ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر، ۱۹/۷۴ درصد لیسانس، ۱۴/۲۱ درصد فوق‌دیپلم، ۲۵ درصد دیپلم، ۲۸/۶۸ درصد در سطح خواندن و

جدول ۵. یافته‌های توصیفی پژوهش

جنسیت	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	مدت اقامت	فراوانی	درصد
مرد	۲۴۱	۶۳/۴۲	متأهل	۲۷۴	۷۲/۱۱	کم‌تر از ۵ سال	۴۲	۱۱/۰۵
زن	۱۳۹	۳۶/۵۸	مجرد	۱۰۶	۲۷/۸۹	۵ تا ۱۰ سال	۸۷	۲۲/۸۹
تحصیلات	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد	۱۰ تا ۲۰ سال	۱۵۲	۴۰/۰۰
بی‌سواد	۲۰	۵/۲۶	۳۰-۲۱	۵۹	۱۵/۵۳	بیش از ۲۰ سال	۹۹	۲۶/۰۵
خواندن و نوشتن	۱۰۹	۲۸/۶۸	۴۰-۳۱	۸۴	۲۴/۷۴	شغل	فراوانی	درصد
دیپلم	۹۵	۲۵/۰۰	۵۰-۴۱	۱۱۹	۳۱/۳۲	کارمند	۶۳	۱۶/۵۸
فوق‌دیپلم	۵۴	۱۴/۲۱	۶۰-۵۱	۶۷	۲۰/۲۶	کارگر	۱۲۹	۳۳/۹۵
لیسانس	۷۵	۱۹/۷۴	۶۰ به بالاتر	۳۱	۸/۱۶	بازنشسته	۷۹	۲۰/۷۹
فوق‌لیسانس و بالاتر	۲۷	۷/۱۱			آزاد	۶۴	۱۶/۸۴	
					بیکار	۴۵	۱۱/۸۴	

کیفیت منظر و امنیت اجتماعی استفاده گردید. در ادامه با استفاده از آزمون T-Test وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها و گویه‌های مربوط به آنها شناسایی و تشریح می‌گردد.

یافته‌های استنباطی

وضعیت مؤلفه‌های مؤثر بر وقوع جرم در سطح محله‌ها

با توجه به هدف پژوهش، برای مقایسه تطبیقی محله‌های مرفه و غیرمرفه شهری به لحاظ جرم‌خیزی از سه مؤلفه کیفیت سکونت،

کیفیت سکونت

مرفه به‌جز گویه فقدان یا کمبود نهادهای رفتاری و آموزشی - فرهنگی (با میانگین ۲/۱۸) بقیه گویه‌ها بالاتر از میانگین متوسط (عدد ۳) و در وضعیت مناسبی قرار دارند. در حالی که در محله‌های غیرمرفه همه گویه‌های مربوط به مؤلفه کیفیت سکونت پایین‌تر از حد متوسط و در وضعیت نامناسبی ارزیابی می‌گردد. همچنین در محله‌های مرفه گویه سازگاری کاربری‌ها (میانگین ۳/۹۵) در محله‌های غیرمرفه گویه خوانایی فرم کالبدی کم‌ترین تأثیر را بر جرم‌خیزی داشتند.

برای سنجش وضعیت مؤلفه کیفیت سکونت در هر کدام از محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل از ۸ گویه استفاده گردید. تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده که جمعاً ۳۸۰ مورد بوده است که به تفکیک در محله‌های مورد مطالعه (مرفه: رضوان و آزادی ۱۴۲ مورد) و (فرو دست: ایران‌آباد و آراز علی ۲۳۸ مورد) بوده که تحلیل‌های پیش رو به تفکیک نوع محله‌ها، بر اساس میانگین به‌عمل آمده بر مبنای طیف لیکرت انجام و طبقه‌بندی شده‌اند. طبق اطلاعات جدول ۶. یافته‌ها نشان می‌دهند که در محله‌های

جدول ۶. وضعیت گویه‌های مؤلفه کیفیت سکونت

نوع محله	گویه	تعداد پرسشنامه	میانگین	انحراف معیار	رتبه بر اساس میانگین
مرفه	سازگاری کاربری‌ها	۱۴۲	۳/۹۵	۱/۳۰	۸
	خوانایی فرم کالبدی	۱۴۲	۳/۸۵	۱/۰۲	۷
	وضوح تفکیک کاربری‌ها	۱۴۲	۳/۳۹	۱/۲۵	۶
	ساختمان‌های متروک و مخروبه	۱۴۲	۳/۲۲	۱/۱۱	۵
	تراکم جمعیتی	۱۴۲	۳/۱۲	۰/۹۰	۳
	وجود قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها	۱۴۲	۳/۲۰	۱/۱۰	۴
	کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آب‌های سطحی	۱۴۲	۳/۰۸	۱/۱۷	۲
	فقدان یا کمبود نهادهای رفتاری و آموزشی - فرهنگی	۱۴۲	۲/۱۸	۱/۰۴	۱
	سازگاری کاربری‌ها	۲۳۸	۲/۲۱	۱/۱۹	۵
	خوانایی فرم کالبدی	۲۳۸	۲/۴۶	۱/۰۳	۸
غیرمرفه	وضوح تفکیک کاربری‌ها	۲۳۸	۲/۴۱	۱/۱۹	۷
	ساختمان‌های متروک و مخروبه	۲۳۸	۲/۱۳	۱/۱۱	۳
	تراکم جمعیتی	۲۳۸	۲/۳۵	۰/۹۸	۶
	وجود قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها	۲۳۸	۱/۹۵	۱/۲۰	۱
	کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آب‌های سطحی	۲۳۸	۲/۱۷	۱/۰۷	۴
	فقدان یا کمبود نهادهای رفتاری و آموزشی - فرهنگی	۲۳۸	۲/۱۰	۱/۲۵	۲

باشد، احساس شجاعت بیش‌تری در افراد برای دخالت ایجاد می‌شود. بنابراین افراد با فراغ بال بیش‌تری اقدام به مداخله می‌نمایند. سوم اینکه مداخله ناظری که احساس می‌کند عضوی از یک جامعه است، معمول‌تر است و معماری می‌تواند از طریق به‌کارگیری کارکردهای کاهش انزوای اجتماعی، این احساس را در افراد تقویت کند. بنابراین رؤیت‌پذیری صرف نباید مدنظر معماران باشد بلکه آن‌ها باید شرایطی را توسعه دهند که احتمال مداخله افراد به‌عنوان مراقب را افزایش می‌دهند، توسعه دهند.

برای سنجش وضعیت مؤلفه کیفیت منظر در هر کدام از محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل از ۶ گویه استفاده گردید. طبق اطلاعات جدول ۷، یافته‌ها نشان می‌دهند که در محله‌های مرفه به‌جز گویه رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع (با میانگین ۲/۵۶) بقیه گویه‌ها بالاتر از میانگین متوسط (عدد ۳) و در وضعیت مناسبی قرار دارند. در حالی که در محله‌های غیرمرفه همه گویه‌های مربوط به مؤلفه کیفیت سکونت پایین‌تر از حد متوسط و

کیفیت منظر

مطالعه معماری نشان می‌دهد که نه‌تنها قواعد حقوقی ابزار بیان اصول و ارزش‌های جامعه می‌باشند، بلکه محیط فیزیکی نیز ممکن است بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی می‌تواند بدون واسطه با هرکسی که آن را مشاهده کند «با زبان بسته» سخن بگوید. قدرت معماری نباید در بیان هنجارها دست‌کم گرفته شود. مراقبت و نظارت طبیعی با همه اهمیتی که دارد، نمی‌تواند به‌تنهایی موجب پیشگیری از وقوع جرم گردد. در بسیاری از موارد ممکن است عابران و ناظران از مداخله در جرم و جلوگیری از وقوع آن سرباز زنند. معماری منظر می‌تواند بر اینگونه اجتناب‌ها تأثیر گذارد. در مورد چگونگی این تأثیر می‌توان سه احتمال را در نظر گرفت. اول اینکه تأثیر دیدن جرم بر ناظر بسیار بیش‌تر از تأثیری است که در شنیدن صرف جرم می‌باشد. بنابراین تحریک بیش‌تری برای دخالت وجود دارد. نکته دوم این است که هر چه تعداد افرادی که در محل وجود دارند بیش‌تر

از لحاظ مؤلفه کیفیت منظر فاصله زیادی بین محله‌های مرفه و غیرمرفه وجود دارد و یکی از عوامل مهمی که باعث افزایش جرم در محله‌های پایین شهر می‌گردد، مؤلفه کیفیت منظر می‌باشد.

در وضعیت نامناسبی ارزیابی می‌گردد که کم‌ترین آن مربوط به سه گویه رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع (میانگین ۱/۷۲)، میلمان و تابلوهای شکسته و کثیف (میانگین ۱/۸۹) و ساختمان‌های با نمای کثیف (میانگین ۱/۹۵) می‌باشد. پس می‌توان اذعان کرد که

جدول ۷. وضعیت گویه‌های مؤلفه کیفیت منظر

نوع محله	گویه	تعداد پرسشنامه	میانگین	انحراف معیار	رتبه بر اساس میانگین
مرفه	ساختمان‌های با نمای کثیف	۱۴۲	۳/۶۸	۱/۰۵	۶
	میلمان و تابلوهای شکسته و کثیف	۱۴۲	۳/۲۱	۱/۱۳	۳
	وجود دیوار پر بدون پنجره	۱۴۲	۳/۵۴	۰/۹۰	۵
	دیوارنویسی‌های ناهنجار	۱۴۲	۳/۲۹	۰/۹۹	۴
	رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع	۱۴۲	۲/۵۶	۱/۲	۱
	وضعیت ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به ساختمان‌های مجاور	۱۴۲	۳/۱۴	۱/۰۳	۲
غیرمرفه	ساختمان‌های با نمای کثیف	۲۳۸	۱/۹۵	۱/۲۰	۳
	میلمان و تابلوهای شکسته و کثیف	۲۳۸	۱/۸۹	۱/۱۱	۲
	وجود دیوار پر بدون پنجره	۲۳۸	۲/۰۱	۱/۰۴	۴
	دیوارنویسی‌های ناهنجار	۲۳۸	۲/۱۷	۱/۰۶	۵
	رنگ‌های آرام‌بخش و مطبوع	۲۳۸	۱/۷۲	۱/۲۳	۱
	وضعیت ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به ساختمان‌های مجاور	۲۳۸	۲/۸۲	۱/۱۲	۶

شهروندان ایجاب می‌کند تا این دانش با مداخله مستقیم در فرآیند ادراک امنیت توسط ساکنین در جهت افزایش میزان احساس امنیت در آن‌ها تلاش نماید. اصول طراحی محیطی امن (CPTED) تنها عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت نیست، بلکه اجتماع‌پذیر نمودن محیط و افزایش حس تعلق ساکنین به محیط، عوامل دیگری هستند که با کمک به ارتقاء سطح روابط همسایگی بر جنبه‌های روانی امنیت تأثیر بیش‌تری می‌گذارند. به این ترتیب بالا بودن حس تعلق به محیط مسکونی و همچنین میزان اجتماع‌پذیری محیط در محله‌ها مسکونی قدیمی سبب شده است تا میزان روابط همسایگی و به همین طریق احساس امنیت در این محله‌ها بالاتر از محیط‌های مسکونی بافت جدید باشد (رجبی، ۱۳۹۵).

برای سنجش وضعیت مؤلفه امنیت اجتماعی در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل از ۸ گویه استفاده گردید. طبق اطلاعات جدول ۸، در محله‌های مرفه همه گویه‌های مربوط به مؤلفه امنیت اجتماعی بالاتر از میانگین متوسط (عدد ۳) و در وضعیت مناسبی قرار دارند. در حالی که در محله‌های غیرمرفه به‌جز گویه فاصله خانه تا خیابان (میانگین ۳/۱۲) همه گویه‌های مربوط به مؤلفه کیفیت سکونت پایین‌تر از حد متوسط و در وضعیت نامناسبی ارزیابی می‌گردد. طبق نتایج می‌توان گفت: مؤلفه امنیت اجتماعی مهم‌ترین مزیت محله‌های مرفه و حلقه گمشده مناطق غیرمرفه و غیررسمی شهر اردبیل می‌باشد.

امنیت اجتماعی

در ادبیات شهرسازی مفهوم امنیت به معنی امنیت شهری و امنیت در محیط شهر مطرح است. در سال‌های اخیر رسالت شهرسازی در زمینه ارتقاء سطح امنیت بیش‌تر معطوف به چگونگی طراحی فضاها و برنامه‌ریزی مناسب کاربری‌های شهری بوده است؛ بنابراین فضای شهری امن از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عینی و کالبدی متعدد و گسترده برخوردار است که گاهی دارای تأثیرات متقابل نیز هستند. علاوه بر این‌ها یک فضای شهر امن مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. چنان‌که آرامش و امنیت شهرها صرفاً به‌وسیله پلیس تأمین نمی‌شود. بلکه آرامش و امنیت عمده‌تاً به‌وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به‌وسیله خود مردم اجرا می‌گردد. نکته مهم این است که مفهوم امنیت در هنگام ادراک، دارای ابعاد ذهنی و عینی می‌باشد، به‌گونه‌ای که واقعیت‌های موجود در این زمینه که معمولاً با اعداد و ارقامی راجع به میزان وقوع جرم و جنایت بیان می‌شوند، همیشه در تطابق کامل با میزان احساس امنیت ساکنین، امری ذهنی و روانی نمی‌باشد. احساس امنیت به‌عنوان امری ذهنی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و روانی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که وظیفه شهرسازی تنها محدود به ارتقاء استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت نیست، بلکه رسالت شهرسازی برای ارتقاء سطح آسایش روانی

جدول ۸. وضعیت گویه‌های مؤلفه امنیت اجتماعی

نوع محله	گویه	تعداد پرسشنامه	میانگین	انحراف معیار	رتبه بر اساس میانگین
مرفه	وجود چشمان ناظر (پلیس، دوربین مداربسته و ...)	۱۴۲	۳/۱۲	۱/۱۷	۱
	فاصله خانه تا خیابان	۱۴۲	۳/۶۲	۱/۰۵	۷
	نقاط کور و بی‌دفاع	۱۴۲	۳/۳۳	۱/۱۹	۳
	دید در مسیر	۱۴۲	۳/۳۵	۰/۹۷	۴
	دید به فضای خلوت (پارکینگ و ...)	۱۴۲	۳/۴۱	۱/۱۹	۵
	روشنایی و نورپردازی معابر	۱۴۲	۳/۸۹	۱/۱۱	۸
	حیات شبانه‌روزی	۱۴۲	۳/۵۲	۰/۹۸	۶
	هم‌جواری با محیط‌های ناامن و فضاهای عمومی و باز	۱۴۲	۳/۲۵	۱/۲۰	۲
	وجود چشمان ناظر (پلیس، دوربین مداربسته و ...)	۲۳۸	۲/۱۸	۱/۲۱	۵
	فاصله خانه تا خیابان	۲۳۸	۳/۱۲	۱/۰۴	۸
غیرمرفه	نقاط کور و بی‌دفاع	۲۳۸	۱/۶۸	۱/۰۶	۱
	دید در مسیر	۲۳۸	۲/۱۳	۱/۱۹	۴
	دید به فضای خلوت (پارکینگ و ...)	۲۳۸	۲/۴۱	۱/۱۲	۷
	روشنایی و نورپردازی معابر	۲۳۸	۱/۸۲	۱/۰۵	۲
	حیات شبانه‌روزی	۲۳۸	۲/۳۷	۱/۰۴	۶
	هم‌جواری با محیط‌های ناامن و فضاهای عمومی و باز	۲۳۸	۱/۹۸	۱/۱۹	۳

به‌دست آمده می‌توان گفت که وضعیت این مؤلفه‌ها در محله‌های مرفه در سطح مناسبی بوده اما در محله‌های غیرمرفه اوضاع کلاً برعکس محله‌های مرفه، نامناسب می‌باشد. به‌صورتی که هر سه مؤلفه کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی به ترتیب با میانگین (۲/۲۲)، (۲/۰۹) و (۱/۲۱) پایین‌تر از معیار میانگین (۳) و در وضعیت نامناسبی قرار دارند (جدول ۹).

در ادامه برای سنجش کیفیت سه مؤلفه اصلی و مؤثر در بروز جرم از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که در محله‌های مرفه به ترتیب، امنیت اجتماعی (میانگین ۳/۴۴)، کیفیت سکونت (میانگین ۳/۲۵) و کیفیت منظر (میانگین ۳/۲۴) بالاتر از میانه نظری (۳) قرار دارند. همچنین سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا برابر با (۰/۰۰۰) محاسبه گردیده است؛ بنابراین طبق اطلاعات جدول ۹، بر اساس میانگین

جدول ۹. کیفیت مؤلفه‌های مؤثر بر وقوع جرم

مؤلفه	نوع محله	تعداد نمونه	میانگین	معیار میانگین	درجه آزادی	انحراف معیار	خطای استاندارد	نتیجه آزمون
کیفیت سکونت	مرفه	۱۴۲	۳/۲۵	۳	۱۴۰	۰/۸۹۱	۰/۰۷۲	رد H_0
کیفیت منظر	غیرمرفه	۲۳۸	۲/۲۲	۳	۲۳۶	۰/۶۵۳	۰/۰۶۱	تأیید H_0
امنیت اجتماعی	مرفه	۱۴۲	۳/۲۴	۳	۱۴۰	۰/۷۸۴	۰/۰۶۱	رد H_0
	غیرمرفه	۲۳۸	۲/۰۹	۳	۲۳۶	۰/۵۲۰	۰/۰۴۸	تأیید H_0
	مرفه	۱۴۲	۳/۴۴	۳	۱۴۰	۰/۹۱۳	۰/۰۷۵	رد H_0
	غیرمرفه	۲۳۸	۱/۲۱	۳	۲۳۶	۰/۶۷۷	۰/۰۵۴	تأیید H_0

نامنی‌ها و احترام به امنیت در فضاهای شهری باشد. مقوله بعدی که در این مؤلفه مهم و اساسی است تدوین آیین‌نامه‌های مرتب، نهادهای مسئولیت‌پذیر و در نهایت عدم تبعیض برای خرده‌فرهنگ‌های حاضر در این محله‌ها شهر که مقوله مهاجرت‌ها و ترکیب جمعیتی موجود این مسئله را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد، می‌باشد. این امر نشان می‌دهد برای حرکت به سمت امنیت شهری و کاهش جرائم شهری این موارد در قالب مؤلفه

این نتایج نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه امنیت اجتماعی در مبحث جرم‌خیزی در فضاهای شهری اردبیل از دیدگاه شهروندان می‌تواند در بسترسازی فضاهای امن شهر و جلوگیری از بروز جرم در این شهر بسیار راهگشا باشد. در وهله اول توجه به زیرساخت‌ها و منابع، به‌خصوص توزیع متوازن و بهینه آن‌ها در تمامی نواحی شهری چه در متن کالبدی شهر و چه نواحی حاشیه‌ای و فقیرنشین خود می‌تواند محرک عمده‌ای برای کاهش

امنیت اجتماعی در اولویت و در قدم اول قرار دارد.

همبستگی مؤلفه‌های مؤثر بر وقوع جرم

جامعه‌ای نیست که در آن اصلاً جرائمی وجود نداشته باشد، فقط می‌توان میزان آن‌ها را با آموزش، پیشگیری و کنترل، کم‌رنگ‌تر کرد (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰). اجرای نمودن مؤلفه‌های شناسایی شده با رویکرد پیشگیرانه و توجه به تسریع در فرآیندهای جرم‌یابی زمینه پیشگیری سومین در وقوع جرم را مهیا ساخته و باعث جلوگیری از تکرار جرم می‌شود (رضایی و همکار، ۱۴۰۲).

در این بخش از پژوهش و در گام اول به تحلیل همبستگی درونی مؤلفه‌های مؤثر در بروز جرم پرداخته شد. هدف از این کار تحلیل ارتباط درونی و پیوستگی این مؤلفه‌ها به منظور ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر وقوع جرم در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل و پاسخ به این سؤال است که آیا مؤلفه‌های کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر اردبیل می‌تواند از نگاه ساختاری بروز جرم را در این محله‌ها تبیین کند؟ نتایج به‌دست آمده از تحلیل انجام شده، در جدول ۱۰، نشان می‌دهد که همبستگی درونی مؤلفه‌ها با

توجه به جامعه نمونه:

الف: در هر دو محله مرفه و غیرمرفه در سطح معناداری می‌باشد (با سطح معناداری ۰/۹۸)؛ یعنی هم در محله‌های مرفه و هم غیرمرفه هر کدام از مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش با یکدیگر در ارتباط بوده و روی هم تأثیرگذاری معناداری دارند و با کاهش یا افزایش سطح یک مؤلفه، وضعیت مؤلفه دیگر به همان میزان کاهش یا افزایش پیدا می‌کند.

ب: این همبستگی برای مؤلفه امنیت اجتماعی با کیفیت سکونت در محله‌های مرفه با میزان ۰/۷۴۱ و در محله‌های غیرمرفه ۰/۸۱۲، ارتباط و هم‌سویی مثبت و معناداری دارد.

ج: این همبستگی برای مؤلفه امنیت اجتماعی با کیفیت منظر در محله‌های مرفه با میزان ۰/۷۴۸ و در محله‌های غیرمرفه ۰/۷۶۴، ارتباط و هم‌سویی مثبت و معناداری دارد. در ادامه نتایج حاصل از همبستگی درونی مناسب در بین مؤلفه‌های مؤثر در بروز جرم در جدول ۱۰، ارائه شده است.

جدول ۱۰. همبستگی درونی مؤلفه‌ها

نوع محله	مؤلفه	آماره	کیفیت سکونت	کیفیت منظر	امنیت اجتماعی
مرفه	کیفیت سکونت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۷۴	۰/۷۴۱
		معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
		حجم نمونه	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲
	کیفیت منظر	همبستگی پیرسون	-۰/۵۷۴	۱	-۰/۷۴۸
		معناداری	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰
		حجم نمونه	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲
غیرمرفه	امنیت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۷۴۱	۰/۷۴۸	۱
		معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-
		حجم نمونه	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲
	کیفیت سکونت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۴۲	۰/۸۱۲
		معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		حجم نمونه	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸
کیفیت منظر	همبستگی پیرسون	۰/۶۴۲	۱	۰/۷۶۹	
	معناداری	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	
امنیت اجتماعی	همبستگی پیرسون	-۰/۸۱۲	۰/۷۶۹	۱	
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	
	حجم نمونه	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	

رابطه کیفیت سکونت و بروز جرم

ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت سکونت و بروز جرم در جدول ۱۱، آورده شده است. این ضریب بین دو مؤلفه در محله‌های مرفه و غیرمرفه به ترتیب برابر ۰/۷۵۱ و ۰/۶۴۲ و سطح معناداری در ناحیه آلفای ۰/۰۵ و در هر دو محله برابر

با این برآیند برای پاسخ به سؤال پژوهش که مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم در محله‌ها مورد مطالعه شهر اردبیل چه وضعیتی را نشان می‌دهند در ادامه به بررسی تحلیلی و آماری این مؤلفه‌ها و میزان تأثیر و معناداری و تبیین وضعیت آن‌ها پرداخته می‌شود.

(۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای استاندارد محاسبه شده کم‌تر از ۰/۰۱ است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو مؤلفه کیفیت سکونت و بروز جرم رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به‌عبارت دیگر هر چه کیفیت سکونت در هر دو محله مرفه و غیرمرفه ارتقاء یابد موجب کاهش و جلوگیری از بروز جرم می‌گردد.

جدول ۱۱. رابطه بین کیفیت سکونت با بروز جرم

مؤلفه	نوع محله	حجم نمونه	همبستگی	معناداری
کیفیت سکونت	مرفه	۱۴۲	۰/۷۵۱	۰/۰۰۰
	غیرمرفه	۲۳۸	۰/۶۴۲	۰/۰۰۰

رابطه کیفیت منظر و بروز جرم
ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت منظر و بروز جرم در محله‌های مرفه و غیرمرفه به ترتیب برابر ۰/۶۵۳ و ۰/۶۹۸ و سطح معناداری در ناحیه آلفای ۰/۰۵ و در هر دو محله برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای استاندارد محاسبه شده کم‌تر از ۰/۰۱ است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو مؤلفه

جدول ۱۲. رابطه بین کیفیت منظر با بروز جرم

مؤلفه	نوع محله	حجم نمونه	همبستگی	معناداری
کیفیت منظر	مرفه	۱۴۲	۰/۶۵۳	۰/۰۰۰
	غیرمرفه	۲۳۸	۰/۶۹۸	۰/۰۰۱

از ۰/۰۱ است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو مؤلفه امنیت اجتماعی و بروز جرم رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به‌عبارت دیگر هر چه امنیت اجتماعی در هر دو محله مرفه و غیرمرفه ارتقاء یابد موجب کاهش و جلوگیری از بروز جرم می‌گردد.

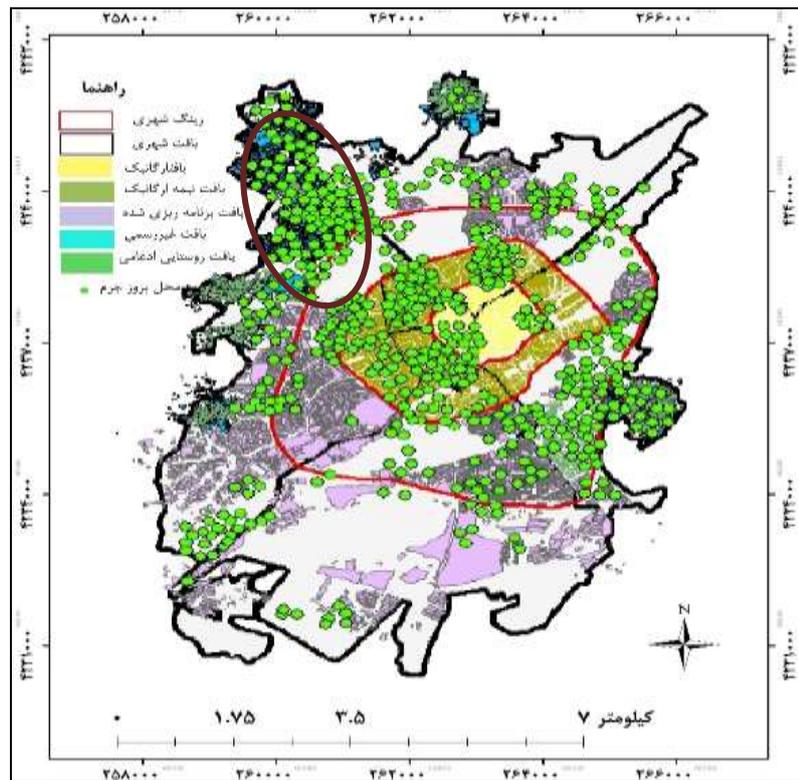
رابطه امنیت اجتماعی و بروز جرم
ضریب همبستگی پیرسون بین امنیت اجتماعی و بروز جرم در جدول ۱۳، آورده شده است. این ضریب بین دو مؤلفه در محله‌های مرفه و غیرمرفه به ترتیب برابر ۰/۸۳۴ و ۰/۷۲۶؛ و سطح معناداری در ناحیه آلفای ۰/۰۵ و در هر دو محله برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای استاندارد محاسبه شده کم‌تر

جدول ۱۳. رابطه بین امنیت اجتماعی با بروز جرم

مؤلفه	نوع محله	حجم نمونه	همبستگی	معناداری
امنیت اجتماعی	مرفه	۱۴۲	۰/۸۳۴	۰/۰۰۰
	غیرمرفه	۲۳۸	۰/۷۲۶	۰/۰۰۰

شهر که محله‌های ایران‌آباد و آرازعلی قرار دارند، این مسئله به‌وضوح دیده می‌شود (بیضی قهوه‌ای‌رنگ در شمال غرب نقشه)؛ بنابراین می‌توان گفت جرائم و آسیب‌های اجتماعی در شهر اردبیل عمدتاً هویت منطقه‌ای و محله‌ای دارند و لذا انجام مطالعه جغرافیایی آن‌ها برای بررسی مؤلفه‌های مؤثر و رسیدن به یک الگوی پیشگیری جامعه‌مورد نیاز است.

مطالعات تخصصی نشان می‌دهد که در بین مناطق شهری، محله‌ها فرودست و غیررسمی غالباً دارای بالاترین آمار جرائم و آسیب‌های اجتماعی مختلف هستند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته، مسئله فوق در پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. چنانچه در شکل ۳، نقشه پراکنش آسیب‌های جرم‌زای شهر اردبیل نشان می‌دهد، وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی در لایه محله و منطقه فرودست پررنگ‌تر است و در محدوده شمال غرب



شکل ۳. پراکنش جرم در بافت‌های مختلف شهری اردبیل

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش هدف اصلی، ارزیابی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم در محله‌های مورد مطالعه شهر اردبیل بوده است که از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی در دو تیپ متفاوت قرار دارند. بر مبنای مطالعات و تحلیل‌های انجام شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در بروز جرم عوامل مختلف فردی، اجتماعی-اقتصادی و محیطی تأثیرگذارند که این عوامل با توجه به شرایط زمانی و مکانی، اهمیت و درجه تأثیرگذاری متفاوتی دارند. جامعه‌ای نیست که در آن اصلاً جرائمی وجود نداشته باشد، فقط می‌توان میزان آن‌ها با آموزش، پیشگیری و کنترل، کم‌رنگ‌تر کرد. شهرها برخلاف تمام دستاوردهای انسانی، تمدنی و توسعه‌ای که داشته‌اند، امروزه مملو از فقدان تعادل فضایی، اجتماعی و زیست‌محیطی هستند که تمام فعالیت‌های انسانی و کالبدی را تهدید می‌کنند. بررسی عوامل مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی از مسائل حیاتی شهرها است و جزء معیارهای اجتماعی مهم جوامع به‌شمار می‌آید. شناسایی این عوامل می‌تواند نقطه شروعی برای مطالعات تکمیلی در موضوع‌های دیگر باشد. توزیع فضایی جرائم تصادفی نیست و از الگوی فضایی خاصی تبعیت می‌کنند. این الگوها در نتیجه مجموعه‌ای از فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

رفتاری شکل گرفته است. در نهایت این مطالعه نسبت به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر وقوع جرائم و نقش و نسبت هر کدام از آن‌ها در محله‌ها مورد مطالعه شهر اردبیل اقدام گردید و بر اساس تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهش، نتایج به‌دست آمده نشان داد: ارتقا مؤلفه کیفیت سکونت موجب کاهش و مانعی در برابر بروز جرم در هر دو محله مرفه (ضریب ۰/۷۵۱) و غیرمرفه (ضریب ۰/۶۴۲) خواهد شد. لذا در این حیطة نتیجه پژوهش با نظر اسکار نیومن (۱۹۶۹) که معتقدند برای خلق فضاهای قابل دفاع باید هر فضایی متولی داشته باشد. فضاهایی با کاربری تعریف نشده (بدون کارکرد) به دلیل نداشتن کارکرد و بدون استفاده ماندن به فضاهایی مرده تبدیل و با از دست دادن هویت خود زمینه پذیرش آسیب و جرم را در خود به‌صورت بالقوه به وجود می‌آورند، هم‌سو می‌باشد. همچنین ارتقاء کیفیت مناظر شهری و تناسب بصری مطلوب (در محله‌های مرفه با ضریب ۰/۶۵۳؛ و در محله‌های غیرمرفه با ضریب ۰/۶۹۸) موجب کاهش اغتشاشات رفتاری و در نهایت کاهش جرائم شهری خواهد شد. به‌طوری‌که ترانسیک (۱۹۸۶) عنوان می‌کند آن بخش از فضاهای شهری که واحد تناسب بصری مطلوبی هستند و به‌عبارت دیگر در آن اغتشاش بصری کم‌تری وجود دارد، نسبت به سایر فضاها احتمالاً کم‌تر با اغتشاش‌های رفتاری (رفتارهای نابهنجار و

بسیار بالا می‌برد این پیچیدگی و فراز و نشیب در حال حاضر به‌عنوان یکی از محدودیت‌های اثرگذار در این پژوهش‌ها به شمار می‌رود. در ادامه متناسب با یافته‌های پژوهش در جهت کاهش جرائم شهری و تأمین امنیت در سطح محله‌ها شهر اردبیل پیشنهاد و راهکارهایی ارائه می‌گردد:

راهکارها

- با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:
- ✓ توزیع عادلانه امکانات و خدمات در سطح شهر و محله‌ها
- ✓ فرودست مورد مطالعه در راستای کاهش بروز جرم و تبیین افکار جمعی برای پرهیز از توسل به خشونت؛
- ✓ ایجاد فرصت شغلی مناسب در محله‌ها فرودست شهر اردبیل در جهت برطرف کردن ناکامی در به دست آوردن شغل و رفع نسبی مشکل مالی؛
- ✓ تشکیل کارگروهی با مسئولیت شهرداری مناطق شهر اردبیل، متشکل از سه کمیته مرتبط با هریک از مؤلفه‌های مورد بررسی در این مطالعه با مشارکت نهادهای امنیتی، دولتی و غیردولتی (NGO)؛
- ✓ بررسی مؤلفه‌های مؤثر در تأمین امنیت شهری و برنامه‌ریزی مناسب برای رفع موانع موجود؛
- ✓ اقدام مؤثر نسبت به اصلاح شرایط فیزیکی و محیطی مؤثر در بروز ناامنی‌ها به‌ویژه محیط‌های تجمع معتادین، ولگردها، کارتن‌خواب‌ها (به‌خصوص در محله‌ها فرودست مورد مطالعه)؛
- ✓ بهسازی ساخت‌وسازهای کالبدی و تأمین بهتر نورپردازی معابر و خیابان‌های محله‌ها شهر بالأخص محله‌ها فرودست مورد مطالعه؛
- ✓ آسفالت و نورپردازی همه مسیرها (به‌ویژه محدوده‌های تاریک و پنهان)؛
- ✓ بررسی و حذف تغییر ناگهانی در سطوح بارنگ‌های مناسب و قابل‌رویت و حاشیه‌سازی ضد لغزش؛
- ✓ برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های مهارتی و توانمندسازی و جرئت‌مندی در مساجد محلی و حسینیه‌ها برای خانواده‌ها و عموم مردم؛
- ✓ توسعه نهادهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی نظیر فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، دفاتر محلی قانون رشد کودکان و نوجوانان در سطح محله‌ها شهر بالأخص محله‌های غیررسمی و فرودست شهر؛
- ✓ استقرار و ترکیب کاربری‌هایی با فعالیت زمانی زیاد (شبانه‌روزی)؛
- ✓ نصب دوربین‌های مداربسته در فضاهای شلوغ و پررفت‌وآمد

آنومیک) عجز می‌شوند. درنهایت ضریب همبستگی پیرسون بین امنیت اجتماعی و بروز جرم بین دو مؤلفه امنیت اجتماعی و بروز جرم (در محله‌های مرفه با ضریب ۰/۸۳۴؛ و در محله‌های غیرمرفه با ضریب ۰/۷۲۶) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به‌عبارت دیگر هر چه امنیت اجتماعی در هر دو محله مرفه و غیرمرفه ارتقاء یابد موجب کاهش و جلوگیری از بروز جرم می‌گردد. در این راستا پژوهش عامری (۱۴۰۰) نشان می‌دهد شاخص امنیت اجتماعی با گویه‌هایی همانند هم‌جواری محیط‌های مسکونی با محیط‌های ناامن، هم‌جواری محیط‌های مسکونی با فضاهای عمومی و باز شهری، نوع طراحی محیطی و کالبدی، فقدان یا فرسودگی زیرساخت‌های شهری و بروز و شیوع بیماری‌ها (وضعیت بهداشتی) یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر آسیب‌های اجتماعی و تأمین امنیت می‌باشد. بررسی وجوه تمایز و تشابه مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که مطالعات بیجرک (۲۰۱۰)، متیوکیک و همکاران (۲۰۱۸)، ایتکوویچ و فاکتور (۲۰۲۳)، پورموسوی و همکاران (۱۳۹۰)، سالاری‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و عامری (۱۴۰۰) در به‌کارگیری معیارها و متغیرها، یافته‌ها و نتایج به‌دست آمده؛ با پژوهش حاضر همسو و همگرا نشان می‌دهند، در ارتباط متغیرها با نتایج روابط آماری، تشابه و رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی پژوهش‌های کوزن و ملن هورست (۲۰۱۴)، متقی و همکاران (۱۳۹۸)، زارنجی و همکاران (۱۴۰۰)، از حیث به‌کارگیری معیارها و متغیرها، یافته‌ها و نتایج به‌دست آمده تمایز و افتراق دارند. حال طبق نتایج پژوهش این دستاورد حاصل می‌گردد که مؤلفه‌های کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی در محله‌های غیرمرفه نسبت به محله‌های مرفه در سطح پایینی قرار داشته و این دلیلی بر تقارن و تشابه بین بافت‌های سکوتی و بافت‌های رخداد جرم می‌باشد و نشان از این ادعا است که اکثر مجرمان در همان محیط مسکونی یا محیط مشابه محیط مسکونی خود که از نظر مؤلفه‌های مورد بررسی در پژوهش (کیفیت سکونت، کیفیت منظر و امنیت اجتماعی) در سطح پایینی قرار دارد، اقدام به جرم می‌کنند. حال جهت کاهش جرم‌خیزی این مناطق باید مؤلفه مورد بررسی تا حد امکان ارتقاء داده شوند. لازم به توضیح است که در موضوعاتی با متغیرهای مکان و جرم، به ازای شرایط فرهنگی - اجتماعی، محلی و جغرافیایی طبیعتاً نتایج یکدست به دست نخواهد آمد. از طرفی امروزه با پروپاگاندا و سیطره رسانه‌ای (ماهورهای و پیام‌رسان‌ها) که در اجتماعات انسانی در جریان است تعمیم علل، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم یک نوع مشابهت ظاهری را رقم می‌زند و ضریب دسترسی به جرم را

خود به‌خصوص در امر تعلیم و تربیت اختصاص بدهند. زیرا
بیش‌تر جرائم از ناحیه جوانان طرد شده و دارای کمبود محبت
رخ می‌دهد.

و اعلام وجود آن و کنترل کردن فضا با استفاده از علائم و
رعایت اصول زیباشناسانه (با اولویت نصب در محله‌ها
آسیب‌پذیر)،
✓ در نهایت لازم است خانواده‌ها وقت بیش‌تری را به فرزندان

References

- Alizadeh, K., & Anbari, H. (2017). The role of urban spaces defenseless in occurrence of crime with an emphasis on Parks District 9 Mashhad, *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, 8(29), 141-160. (In Perisan) [20.1001.1.22285229.1396.8.29.8.2](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1396.8.29.8.2)
- Ameri, M.A. (2021). Factors affecting crime prevention and urban security, case study: District 15 of Tehran, *Journal of Sustainable City*, 4(3), 37-19. (In Perisan) [20.1001.1.24766631.1400.4.3.2.8](https://doi.org/10.1001.1.24766631.1400.4.3.2.8)
- Arasteh, M., Ghaffari, H., & Pourhassanzadeh, M.H. (2020). Prioritization of Ardabil City Areas in Order to Apply Strategies to Improve Urban Security, *Journal of Research Police Science*, 22(4), 69-92. (In Perisan)
- Arena Consulting Engineers (2015). *Ardabil Urban Complex Plan*, Ardabil Province Road and Urban Development Directorate. (In Perisan)
- Bjerk. D. (2010). Thieves, Thugs and neighborhood poverty, *Journal of Urban Economics*, 68 (3), 231 - 246. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2010.06.002>
- Cozens, P., & Melenhorst, P. (2014). Exploring Community Perceptions of Crime and Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) in Botswana, *In British Criminology Conference*, London, 14, 65-83. <http://hdl.handle.net/20.500.11937/39772>
- Farzaneh Sadat Zaranji, Zh., Yazdani, M.H., & Jami Odulu, M. (2021). Comparative comparison of informal neighborhoods of Ardabil city based on social harms during the Covid pandemic 19 With emphasis on social security, *Quarterly of Order & Security Guards*, 14(2 (5)), 157-184. (In Perisan) [10.22034/OSRA.2021.95548](https://doi.org/10.22034/OSRA.2021.95548)
- Firouzi Majandeh, E. (2016). *Measuring spatial justice in the distribution of public uses in residential areas of Ardabil city*, Master's thesis in Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. (In Perisan)
- Lahmian, R . (2016). The effect of spatial indicators on crime culture in affluent and non-affluent neighborhoods of Babolsar city, *Geography (Regional Planning)*, 7(1), 231-246. (In Perisan)
- Matthew Quick, R., Kruger, T., & Makab, D. (2018). Safer by design- towards effective crime prevention through environmental design in South Africa, *CSIR, Pretoria*, Vol, 12, 211-294.
- Md Sakip, S.R., & Abdullah, A. (2018). An evaluation of crime prevention through environmental design (CPTED) measures in a gated residential area, *Asian Journal of Environment-Behaviour Studie*, 3(6), 21-28. <https://doi.org/10.21834/aje-bs.v3i6.232>.
- Mohammadi, A., Arzhang Mostali Beygloo, H., & Hashemi Masoumabad, R. (2020). Measuring the Risk Prone Degree of Urban Neighborhoods in Terms of Spaces Susceptible to Crime (Case Study: District 3 of Ardabil City), *Strategic Research on Social Issues of Iran*, 9(3(30)), 102-81. (In Perisan) [20.1001.1.23221453.1399.9.3.4.1](https://doi.org/10.1001.1.23221453.1399.9.3.4.1)
- Mohammadi, A., Firouzi Mejndeh, E., & Arzhang Mostali Beygloo, H. (2019). Zoning of defenseless and crime-prone spaces in Ardabil city, *Research on Urban Planning Geography*, 7(4), 785-806. (In Perisan) [10.22059/jurbangeo.2019.281137.1103](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2019.281137.1103)
- Momeni, H., & Irankhah, A. (2019). Demographics of social harms (crime) in 22 districts of Tehran, *Population Journal*, 26(107 and 108), 103-122. (In Perisan)
- Mottaqi, A., Dalalat, M., Tabei, H., Daneshvar, P., & Ghorbani Sepehr, A. (2019). Spatial-spatial analysis of crime in peri-urban areas, case: Islamshahr, *Journal of Urban Peripheral Development*, 1(1), 9-18. (In Perisan)
- National Crime Prevention Council. (2020). *Crime Prevention Through Environmental Design Guidebook*, Singapore: National Crime Prevention Council.
- Pashazadeh, A., Yazdani, M. H., & Firouzi, E. (2019). Time and space analysis of urban crime

- occurrence, case study: Ardabil city, *Second National Conference on Social Harms*. (In Perisan)
- Pourmousavi, M., Zanganeh Shahraki, S., Ahmadifard, N., & Abdi, N. (2011). The Effect of High Rise Buildings on Urban Crimes (Case Study: 22 Zones of Tehran), *Human Geography Research*, 43(3), 61-72. (In Perisan)
- Rahmati, M., Yazdani, M.H., & Pashazadeh, A. (2021). Identifying factors affecting the incidence of conflict crime (case study: Ardabil city), *Human Settlement Planning Studies*, 16(1)(54), 175-190. (In Perisan)
- Rajabi, A. (2016). Application of CPTED Theory reducing urban crimes, *Environmental Planning Quarterly*, No. 38, 27-47. (In Perisan)
- Rezaei, Gh., & Yarahmadi, M. (2023). Identifying the effective components of crime detection with an emphasis on crime prevention, *Quarterly Journal of Law Enforcement Science Research*, 25(1 (97)), 106-124. (In Perisan) [10.22034/pok.2023.1273605.1777](https://doi.org/10.22034/pok.2023.1273605.1777)
- Sadeghi, N., Zabihi, H., & Larimiyan, T. (2015). Predicting the crime potential of points through the analysis of urban environment quality - a case study of 14 areas of Isfahan city, *Quarterly Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 6(24), 65-86. (In Perisan)
- Salaripour, A.A., Babaei, M., & Rafizadeh, E. (2017). Evaluating the impact of environmental criteria on the security of urban neighborhoods, a case study of Zarjoob neighborhood in Rasht city, *Journal of Urban Research and Planning*, 8(28), 83-98. (In Perisan) [20.1001.1.22285229.1396.8.28.5.7](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1396.8.28.5.7)
- Sanagar Darbani, E., Monsefi Parapri, D., Taherkhani, A., & Haji Fathali, S. (2019). Evaluating the feeling of security and crime prevention in public spaces of residential complexes using the DIDPANA method, *Journal of Law and Order and Security*, 12(2(46)), 1-28. (In Perisan)
- Sherman, W., & Weisburd, D. (2006). General deterrent effects of police patrol in crime "hot spots": A randomized, controlled trial, *Journal Justice Quarterly*, 12 (4), 625-648. [10.1080/07418829500096221](https://doi.org/10.1080/07418829500096221)
- Sohn, D.W. (2016). Residential crimes and neighbourhood built environment: Assessing the effectiveness of crime prevention through environmental design (CPTED), *Journal of Cities*, 52(1), 86-93. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.11.023>
- Taehoon, H., Gyeong, S.O., & Hyeon, H.P. (2015). Comparative analysis of defensible space in CPTED housing and non-CPTED housing, *International Journal of Law, Crime and Justice*, 43(4), 496-511. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2014.11.005>
- Varvaei, A., & Parandakh, A. (2016). Study of social factors affecting recidivism (case study: Kermanshah city), *Quarterly Journal of Social Sciences*, 10(3(34)), 1-28. (In Perisan)
- Yousefi, A., & Javaheri, L. (2015). Undefended spaces of the city and the sense of fear, phenomenology of the experience of crossing underpasses in Mashhad, *Journal of Geography and Environmental Hazards*, Issue 11, 129-143. (In Perisan) [10.22067/GEO.V3I3.33777](https://doi.org/10.22067/GEO.V3I3.33777)